

طراحی و اجرای ۲۰ اقدام تحولی ویژه در رادیو

معاون صدای رسانه ملی، علی بخشی‌زاده، از طراحی و اجرای ۲۰ اقدام تحولی ویژه در رادیو خبر داد و بر لزوم حذف برنامه‌های بی‌مخاطب از جدول پخش تأکید کرد. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، وی با اشاره به رویکرد هویت محوری و عدالت‌گستری در برنامه‌ریزی‌های رادیو، اظهار کرد که این اقدامات طی سه سال اخیر در شبکه‌های مختلف رادیویی به اجرا درآمده است.

[۱] یک نکته مهم همین است که از بازیگران توانمندی استفاده کردید که شاید خیلی چهره نشده‌اند. ممکن است چالش برای کارگردان هم ایجاد کند. به خصوص که فصل اول و دوم با نوجوانان بسیاری باید همراه می‌شدید.

داسارگر: بزرگ‌ترین مسأله‌ای که این کار دارد، فشار اولیه‌ای است که به کل گروه به خصوص کارگردان وارد می‌شود. مثلاً وقتی کسی می‌پرسد چه بازیگری حضور دارد، اگر دو اسم بزرگ نیاریم، آن را خیلی شاید جدی نگیرند. من دیگر با این اتفاق کنار آمده‌ام. البته که معتقدم برخی چهره‌ها باید در کار حاضر باشند که توجه اولیه را جلب کند اما در فراری، قصه ما روی دست افراد جدید می‌چرخد؛ چه نوجوان چه بزرگسال. می‌خواستم دو کاراکتر هدی و صدیقه در فصل دوم، حتماً بازیگران غیرچهره باشند. اتفاقی که می‌افتد، چون انگیزه‌شان بالاست، حال خوبی در کار دارد. مخاطب اصلی من که نوجوان است، حال خوب بازیگر را می‌بیند.

الان همین که برای تلویزیون کار می‌کنیم، محل نقد قرار می‌گیریم. انگار نمایش خانگی و دیگر پخش هاکلاس بیشتری دارد. اینها انواع چالش‌هایی است که تنها وقتی به کاری که

می‌کنی ایمان داشته باشی، تو را نجات می‌دهد. هر وقت خسته می‌شدیم، عینک نوجوان می‌زدیم و می‌گفتمین آنها باید ببیندند. نقش‌های نوجوان این فصل هم، انتخاب درست آقای تقی پور بوده که واقعا سرچای خودش بود. کما این‌که نقش‌های فرشید، وحید و هاشم را از کف جامعه انتخاب کرد. البته در فصل دوم فرصت فصل اول برای آماده کردن نوجوان‌ها را هم نداشتیم.

[۲] مدل نگاه کردن آقای تقی پور به بالا و روشن شدن مسیری که یونس در آنجا کشته شده، خیلی نمادگونه و برجسته است. این نمادها که حتی در سکانس‌های کوه و مفهوم نبوت هم به چشم می‌خورد، عائدانه بود؟

داسارگر: ما عاشق سینما هستیم و قطعاً همه این سکانس‌ها، کارشده است. سکانس آخر فصل قبل که یونس وارد نور می‌شود، خیلی نکته داشت و برای آن خیلی کار کردیم. مسأله چوپانی را در دو فصل داشتیم. اولین بار این مواجه شدن برای من در صفر مرزی اتفاق افتاد که چوپانی به نام کمال را دیدم که ۱۴ ساله بود و ۲۰۰۰ گوسفند را هدایت می‌کرد. بعد یادم افتاد که خیلی از پیامبران چوپان بودند. البته بارها با چوپان مواجه شدم و دیدم خیلی عمیق زندگی می‌کنند. احساس کردم برای کسی که دغدغه تربیت دارد، بحث چوپان خیلی کلیدی است. تصور کنید اگر یک چیزی را بداندید و بعد در خیابان نقد یا نظری مخالف بگویند، چقدر اذیت می‌شوید. پیامبران، نسبت همین چوپان را دارند. دیالوگ شهید ابراهیم‌هادی هم همین بود که باید زل بزنی به چشمان تک‌تک‌شان. به‌همه اینها فکر کردیم و همین هاست که حال ما را خوب می‌کند.

من در سکانس‌های داخلی واقعا عزا می‌گیرم و از چالش سکانس‌های سخت و پر معنا استقبال می‌کنم. مثلاً اگر کوه را نشان نمی‌دادیم، کار در نمی‌آمد. به نظرم تا سراغ طبیعت و جغرافیا نروی، خیلی مفاهیم در نمی‌آید.

هم به مرور بالا می‌رود...

که بازی کردم مربوط به بچه‌ها بود و توبی با بچه‌ها داشته باشی! گفت تو ص شوی. برای من هم جذاب بود که توانیم به یک سری چالش‌ها برسیم. **نش‌های بازی کنید و یک‌بار هم به ت شما شباهت بیشتری به حسین اردا ما بعد احساس کردم به لحاظ قد بود. شما این طور فکر نمی‌کردید؟**

جدی بررسی کردیم. قبل از این‌که بجا به آقای تقی پور گفتم؛ می‌تواند صد رزاده در بچه زنگ بازی کرد. ما عیال برای او بهتر است. **می برای کاراکتر هادی، به این دلیل می اشاره کنید؟**

می‌خواستم کاراکتر اسماعیل، جدی

ار بود. حس من این بود که مخاطب

ی را قدری منعطف تر ببیندد. الان

راکتر رضا، اسماعیل و هادی خیلی

بخشی‌زاده افزود: در این رویکرد تحولی، ۱۲ اولویت محتوایی شامل جوانان، ایثار و مقاومت، هنر انقلاب و سبک زندگی شناسایی شده است. معاون صدای رسانه ملی تأکید کرد که رادیو باید به نیازهای مخاطبان پاسخ دهد و در این راستا به تولید یادکست و محتواهای رادیویی بر بستر وب توجه ویژه‌ای خواهد داشت. وی رادیو را رسانه‌ای همیشه همراه با مردم دانست و گفت:

[۳] ما مقابل سیر و سلوک هادی، هدی را می‌بینیم که خیلی عاقل است. قدری به این خواهر و برادری اشاره کنید که خیلی دلچسپ درآمده و آن شعر خوانی عربی را دارد.

جعفرنیا: نکته جذاب در این سریال برای من، مفهوم خانواده و عشق میان آنهاست. یک خاطره از عمق این خواهر و برادری می‌گویم. یک سکانس درگیری میان هادی و برخی افراد در خیابان بود. به یکباره و خلاف قرار، یکی از هنرورها یک مشت واقعی به صورت آقای تقی پور زد. من آن قدر حس خواهر و برادری برایم جدی بود که واقعا حالم بد شد و از صحنه خارج شدم. یعنی واقعا احساس می‌کردم برادرم را می‌زنند.

[۴] خودتان برادر دارید؟

جعفرنیا: بله

[۵] جنسش مثل خواهر و برادری فراری است؟

جعفرنیا: نه متفاوت است اما خیلی جاها به هادی و هدی حسادت می‌کردم. شاید واقعا از این قصه نمایشی در زندگی خودم وام می‌گرفتم.

[۶] شما چطور خانم طهماسبی؟

خانواده فراری را چطور دیدید؟

طهماسبی: برای من هم، همین طور بود. احساس می‌کردم صدیقه به صمیمیت این خانواده غیبه می‌خورد. حتی احساس می‌کردم صدیقه خانواده آنها را خیلی دوست دارد و می‌خواهد بخشی از آنها باشد.

[۷] آقای صمیمی شما اسماعیل را به‌گونه‌ای نشان دادید که احساس می‌کنیم این روزها هم خیلی جاها می‌بینیم. قدری درباره بازی در این کاراکتر و مابه‌ازای بیرونی آن بفرمایید.

داسارگر: من یک پراتنز باز کنم. ادعایی نمی‌کنم که بخوام بگویم من کسی هستم. نکته این است که چیزهایی که بچه‌ها خلق کردند ۹۰ درصد برای خودشان است. منهای متن، همه چیز را خودشان خلق کردند. درست مثل حضور شهرام قاندي در فصل اول که با چند نکته کوچک، خودش کار را درآورد و خیلی برای مان جذاب بود. برخی می‌گویند چطور می‌شود موسیقی کارهای شما مناسب از آب درمی‌آید. من می‌گویم خواست ما برای کار خوب است. یعنی می‌رویم پیش آهنگساز، کار را می‌سازد و اصلاح می‌کنیم و این روند بارها تکرار می‌شود، چون می‌خواهم کار خوبی بسازم. این مقدمه را گفتم که بگویم بازیگران این کار، بخش زیادی از کاراکتر را خودشان خلق کردند. **صمیمی:** اصلاً چالش کار بازیگر هم همین است.

بازیگر باید آورده داشته باشد، و همین او را متمایز می‌کند. هادی نقش مقابل من بود و خیلی با هم صحبت می‌کردیم. می‌خواستیم تضاد را درست نشان دهیم.

[۸] و یک جایی از افول شخصیت هادی برای به دست گرفتن بچه‌ها استفاده می‌کنند...

برخلاف سیما که مخاطبان برنامه‌محورند، در رادیو مخاطبان شبکه‌محور هستند. او همچنین به اهمیت توجه به تغییرات فناوری و تولید محتوای ارزان قیمت در بستر وب اشاره کرد و افزود که رادیو آرشپو قدیمی خوبی دارد که می‌تواند در راه‌اندازی رادیوهای تخصصی یاری‌رسان باشد. این اقدامات تحولی نشان‌دهنده عزم رادیو برای همگام شدن با نیازهای روز جامعه است.

صمیمی: دقیقاً. سکانس شکلات و تضاد کاراکترها همین بود. برای من بازیگر خیلی مطلوب بود که علاوه بر نشان دادن حس‌هایم به مخاطب نقطه عطف بازیام را نیز به نمایش بگذارم. حتی یک شب دیروقت آقای داسارگر به من پیام داد: «فردا مداحی داری!» من با تعجب پرسیدم «مداحی چه دوره‌ای؟» دنبال این بودم از کجا گیر بیاورم. گفت من خیالم راحت است! گفتم پیدایش می‌کنم.

[۹] نکته دیگر فراری این است که سه کاراکتر هادی، رضا و اسماعیل به مرور چالش‌های تربیتی‌شان نمایش داده می‌شود.

داسارگر: باز هم به نظر من آغاز کار است و اصل اتفاق در فصل بعدی می‌افتد. واقعا تا به قسمت‌های بعد نرسیم، خیلی چیزها مشخص نمی‌شود. باید برای این‌که یک‌جا از شهدا نام ببریم، یک پیشینه‌ای ساخته باشیم. آدم‌ها تا به یک معرکه بزرگ نرسند، خودشان را نشان نمی‌دهند.

[۱۰] به نظر تان مخاطب تلویزیون، این قدر صبور است؟

داسارگر: افرادی که در فصل دوم در کنار ما هستند، تا پایان داستان همراه خواهند ماند. به نظرم تعداد مخاطبانم بیشتر از فصل قبل است و برای ادامه داستان، باید به یک معرکه بزرگ برسیم. در چنین معرکه‌هایی، ویژگی‌های واقعی شخصیت‌ها نمایان می‌شود. باید تلاش کنیم این گروه را به یک اتفاق بزرگ برسانیم تا به نتایج مثمر‌تر برسیم. تصور کنید که کاراکتر شما برای دشمنش کاری انجام می‌دهد؛ در این لحظه است که واقعیات شخصیت‌ها مشخص می‌شود و باید ببینیم با چه نگاهی این کار را انجام می‌دهد. مهم این است که تا آخرین لحظه، گفت‌وگو و ارتباط برقرار باشد. امیدوارم بتوانیم داستان را به این نقاط کلیدی هدایت کنیم.

[۱۱] شاید بحث فاصله زمانی و سن کاراکترها محل نقد باشد. گریم هادی و

اسماعیل خیلی بالاتر به نظر می‌رسد. خودتان این طور فکر نمی‌کند؟

داسارگر: این کاملاً درست است اما نمی‌شد یکباره ۱۵ سال بعد را نشان دهیم. این چالشی است که به نظرم به مرور حل می‌شود. یک جایی به این نتیجه می‌رسی که برخی چیزها را کنار می‌گذاری تا مفهوم را نشان دهی. واقعا یک چیزی در سینما یاد گرفتم که مهم‌ترین چیز در سینما، جذابیت و حس است. اگر اسماعیل جذابیت و حس داشته باشد، مخاطب با آن ارتباط می‌گیرد. در عین حال در مورد هادی باید

یک سری مسائل در این سن او نشان می‌دادیم. ما در فصل اول هادی مغروری دیده بودیم که یک چک می‌خورد و باید جزئیات بیشتری از او می‌دیدیم. وقتی می‌خواهیم یکی را نشان دهیم که فرسنگ‌ها آن طرف‌تر از وطن می‌جنگد، باید ابتدا او را دیده باشیم که برای وطن و مردم خودش صدایش را بالا برده است.

صمیمی: من هم یک نکته را بگویم که کاراکترها و داستان به گونه‌ای جلو می‌رود که مخاطب حس سمپات با آنها دارد.

[۱۲] یعنی حتی تضاد میان سه کاراکتر، این احساس سمپات بودن مخاطب را بیشتر می‌کند...

صمیمی: دقیقاً، چون رفتارهای‌شان با سن کاراکتر همخوانی دارد.

[۱۳] شما گفتید برای نمایش شخصیتی که قصد دارد در کشور دیگری بجنگد، باید نشان می‌دادید که ابتدا در کشور خودش برای مملکتش تلاش کرده است. به نظر می‌رسد که مسیر سخت‌تری را انتخاب کرده‌اید.

می‌توانستید به سادگی به شهید پیرزاید و داستان را پیش ببرید. اما این رویکرد به کاشتن دانه‌ها و برداشت آن، هدفمند بوده است؟

طهماسبی: این به نظرم می‌تواند مدل جدیدی باشد، چون در مدل دیگر، نمونه‌های بسیاری داشتیم که روی آتشن رفته است. شاید این بتواند پرداخت تازه‌ای از شخصیت باشد. مثلاً مادر من قبل از سریال، نمی‌دانست که قرار است به شخصیت شهید اشاره شود. به مرور با نشانه‌های موجود در سکانس‌ها متوجه شد که برایش جالب بود. به نظرم این جذابیتی است که زندگی عادی آن فرد را نشان دهیم.

جعفرنیا: شما وقتی یک لقمه‌ای در دهان بگذارید و بدون جویدن آن را قورت بدهید، شاید تنها ۵ درصد از مزه آن را درک کنید. به همین خاطر ممکن است هزار رفته به آشپز وارد کنید. در حالی که این، به دلیل مزه نکردن خودت است. مادر ساخت پرتره همیشه این مشکل را داریم که چرا فقط به یک برهه زمانی خاص اشاره شده یا چرا فلان مدل نشان دادید اما وقتی در فراری از مدل اعتقادات و زیست این نوع افراد آگاه شویم، پاسخی به این پرسش است که چرا به سوریه می‌پردازیم. آن وقت اگر مخاطب ایرانی بگوید «سوریه به من ایرانی چه ربطی دارد؟»، جواب داریم. ما هنوز این سؤال را داریم و الان به نظرم سریال فراری می‌تواند پرسش‌های بسیاری را پاسخ دهد. به نظرم خیلی کم سؤال بی‌جواب برای مخاطب می‌گذاریم. به هر حال پرتره‌های بسیاری برای شهدا تولید شده اما

خیلی وقت‌ها از جزئیات زندگی او خبر نداریم.

صمیمی: به‌نظر من هم، همین طور است. اقتباس و پرداختن به جزئیات، کار را جذاب می‌کند. انگار به مخاطب می‌گویی با من همراه شو و بدون قضاوت بیا تا درباره یک شخصیت برایت بگویم. این نگاه بدون قضاوت خیلی اینجا اهمیت دارد. من خودم خیلی وقت‌ها همراه می‌شدم.

[۱۴] شما هر دو مدل را امتحان کردید. در بچه ز رنگ به شکل مستقیم روایتگر شهید بودید و در فراری غیرمستقیم...

صمیمی: بله و این خیلی دراماتیک‌تر است و به نظرم مخاطبان بهتر با آن همراه می‌شوند. **جعفرنیا:** به نظرم نسل جدید به قهرمان جدید نیاز دارد. ما سوزه‌های بسیاری داریم که ارزش بالایی برای‌مان دارد اما به ورطه تکرار نزدیک می‌شود. همه شهدای ما در جنگ تحمیلی، در حافظه تاریخی فرزندان ما ماندگارند اما ما برای نزدیک‌شدن به نسل جدید، به قهرمان جدید نیاز داریم. برای روایت این قهرمان، باید طوری نشان دهیم که باورپذیر باشد. به نظرم فراری می‌تواند جریان جدیدی بسازد.

«قول مردونه» به زودی از تلویزیون

سریال کمدی «قول مردونه» که ساخت آن اوایل پاییز آغاز شده، این روزها همچنان در حال تصویربرداری است و به‌زودی از تلویزیون روی آنتن خواهد رفت. این مجموعه به کارگردانی قربانعلی طاهرفر و تهیه‌کنندگی ایرج محمدی، ماجراهایی را از اوایل دهه ۶۰ تا سال ۶۸ روایت می‌کند. در این سریال بازیگرانی چون محمدرضا هدایتی، شهره سلطانی، سروش جمشیدی، باسط رضایی، رویا میرعلی، آشا محرابی، سربوس میمنت و بهراد خزازی به ایفای نقش پرداخته‌اند. طاهرفر درباره این سریال بیان کرده که قول مردونه، ملودرامی با رویکرد کمدی است که هم فرازونشیب‌های دراماتیک و هم لحظات کمدی را در بر می‌گیرد. وی همچنین درباره لوکیشن‌های سریال گفت که به‌دنبال فضایی واقعی‌تر از دکورهای موجود در شهرک غزالی است. این سریال به زیست‌بوم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مردم در دهه ۶۰ می‌پردازد و انتظار می‌رود مخاطبان را با دنیای آن زمان آشنا کند.

مستند «کاوشگران

اقیانوس» از شبکه چهار

مجموعه مستند «کاوشگران اقیانوس» از امروز به روی آنتن شبکه چهار می‌رود. این مستند علمی و ماجراجویانه، محصول سال ۲۳۴۴ کشورهای انگلستان و آمریکا، در شش قسمت تولید شده و امتیاز ۷/۵ از ۱۰ را

از درگاه تخصصی IMDb کسب کرده است. این مستند به بررسی شگفتی‌های ناشناخته اعماق دریاها و اقیانوس‌ها می‌پردازد. این مجموعه توسط نشنال جئوگرافیک تولید شده که با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، به کشف حیات دریایی، رفتار گونه‌های غول‌پیکر مانند تنگ‌ها و کوسه‌ها و تأثیرات تغییرات اقلیمی بر اکوسیستم‌های دریایی می‌پردازد. این مستند به بینندگان دیدی تازه از ماجراجویی‌های علمی در اقیانوس‌ها و چالش‌های زیست‌محیطی موجودات دریایی ارائه می‌دهد. کاوشگران اقیانوس از ۲۸ بهمن تا اول اسفند، روزهای یکشنبه تا چهارشنبه، ساعت ۲۲ در قالب برنامه «چهار سوی علم» پخش و روز بعد در ساعت‌های ۲ بامداد، از ۱۴ تکرار می‌شود. این مجموعه به علاقه‌مندان علم و طبیعت توصیه می‌شود که این فرصت را از دست ندهند.



چهره

برنامه «ماندنی‌ها» به زودی روی آنتن می‌رود

برنامه «ماندنی‌ها» که پیش از این با نام «مسابقه بی‌سابقه» معرفی شده بود، به‌زودی با اجرای فرزاد حسنی از شبکه‌نسیم پخش خواهد شد. افشین حسین‌خانی، تهیه‌کننده این برنامه در گفت‌وگویی درباره جزئیات ساخت و دلایل تأخیر در پخش آن توضیحاتی ارائه داد. وی اعلام کرد که «ماندنی‌ها» یک مسابقه در حوزه اطلاعات عمومی است که شامل هفت مرحله می‌شود و در هر مرحله یک نفر توسط شرکت‌کننده دیگر حذف می‌شود. حسین‌خانی همچنین به زمان بر بودن ساخت دکور و طراحی سؤالات خاص اشاره کرد و گفت: «ما می‌خواستیم با آمادگی کامل روی آنتن برویم.» این برنامه در فصل اول خود در ۲۴ قسمت تولید خواهد شد و احتمال پخش آن در ایام رمضان قوت گرفته است. حسین‌خانی در پایان خاطرنشان کرد که دکور زیبای «ماندنی‌ها» مخاطبان را به یاد سال‌های گذشته می‌اندازد و با ایده‌ها و اتفاقات جدید، تجربه‌ای متفاوت را ارائه خواهد داد.



کاووشگر راسخن کنید